

کارآمدی و ثبات سیاسی در ایران دهه نود

طاهره کنعانی^۱

علی محمدی ضیاء^۲

چکیده: یکی از اهداف مهم و بنیادین هر نظام سیاسی افزایش کارآمدی است. کارآمدی از عوامل ایجاد رضایت مندی عمومی به شمار می رود و از این طریق در افزایش ثبات سیاسی تاثیر می گذارد از سوی دیگر ثبات سیاسی نیز موجب پیشینه کردن کارآمدی است. اندیشمندان و جامعه شناسان سیاسی مهمترین کارکرد نظام سیاسی را افزایش کارآمدی می دانند و کنش های اعتراضی را نشانه تضعیف کارآمدی نظام سیاسی در عرصه ثبات سیاسی تلقی می نمایند. از این منظر می توان کارآمدی را مانعی برای رشد تنشها و چالشهای سیاسی به شمار آورد. مساله اصلی پژوهش حاضر بررسی کارآمدی دولت و ارتباط آن با ثبات سیاسی در دهه نود شمسی است و در این راستا سوال اصلی این پژوهش می تواند بدین صورت طرح شود که ثبات و بی ثباتی سیاسی چه نسبتی با کارآمدی و رضایت مندی عمومی در دوره مورد بحث برقرار می کنند. یافته های پژوهش حاکی از آن است که با وجود رضایت مندی نسبی در طول دهه نود، در اواخر دهه نود با کاهش میزان کارآمدی دولت به خصوص در عرصه اقتصادی، رضایت مندی عمومی از عملکرد دولت کاهش یافته است و این مساله در بروز بی ثباتی های مقطعی در اواخر دهه نود نقش داشته است.

کلمات کلیدی: کارآمدی، رضایت مندی، ثبات سیاسی، ایران، دهه نود

مقدمه

یکی از مهمترین موضوعات مطرح در علوم سیاسی و جامعه شناسی سیاسی موضوع کارآمدی است که پیوند وثیقی با ثبات نظام سیاسی دارد. کارآمدی موجب رضایت مندی و رضایت مندی موجب ثبات سیاسی می شود از سوی دیگر افزایش رضایت مندی به افزایش ثبات سیاسی منجر می شود. اندیشمندان و جامعه شناسان سیاسی مهمترین کارکرد نظام سیاسی را افزایش کارآمدی می دانند و کنش های اعتراضی را نشانه تضعیف کارآمدی نظام سیاسی در عرصه ثبات سیاسی تلقی می نمایند. جمهوری اسلامی ایران در طول بیش از چهار دهه از عمر خود با چالش های زیادی مواجه بوده است از تعرض به خاک کشور تا تحریم ها و مشکلات اقتصادی اما در دهه نود شمسی با ظهور نوعی از بی ثباتی های سیاسی روبرو هستیم که نسبتا متفاوت از قبل بودند. به هر حال هر نظام سیاسی در تلاش است از آسیب ها و چالش ها پرهیز کند و با انجام درست کارویژه های خود و با افزایش کارآمدی و کسب رضایت مندی عمومی در راستای اهداف خود بر تداوم خویش بیفزاید. بررسی کارآمدی نظام در تحقق ثبات سیاسی از آن جهت اهمیت دارد که، نارضایتی ها و کشمکش ها و تعارضات داخلی مثل شورش ها، تظاهرات، اعتصابات، مرگ بر اثر خشونت سیاسی و غیره موجب می شود که تداوم و بقای نظام دچار مخاطره شود و اعمال حاکمیت را بسیار سخت و پرهزینه نماید.

^۱ دکتری علوم سیاسی، گرایش جامعه شناسی سیاسی (نویسنده مسئول): kanani.tahere@gmail.com

^۲ دکتری علوم سیاسی، گرایش مسائل ایران: amohamadi19@gmail.com

با توجه به اهمیت این مساله، مقاله حاضر به بررسی کارآمدی و ثبات سیاسی نظام می پردازد. کارآمدی در این مقاله به معنای مجموعه ای از توانمندی های دولت در عرصه های مختلف از جمله اقتصاد، بهداشت، آموزش، نظام اداری و بوروکراسی، حمل و نقل و زیرساختها، خدمات عمومی، شفافیت و قانونمندی اطلاق می شود (Indicator, n.d.). از منظر این مقاله افزایش این توانمندی ها در نهایت به افزایش رضایت عمومی به عنوان عنصر اصلی دوام و ثبات نظام سیاسی، منجر می شود. این پژوهش تلاش دارد با استفاده از متغیر واسطه رضایت مندی، توانایی نظام جمهوری اسلامی را در تحقق ثبات سیاسی به عنوان یکی از مهمترین اهداف خود مورد بررسی قرار دهد. در راستای ارزیابی تحقق ثبات سیاسی، دهه نود به علت تفاوت اعتراضات (تکرار در بازه های زمانی کوتاه مدت، حضور افشار ضعیف جامعه در اعتراضات و درخواست های بیشتر اقتصادی) مورد بررسی قرار می گیرد. این پژوهش در پاسخ به این سوال که ثبات و بی ثباتی سیاسی چه نسبتی با کارآمدی و رضایت مندی آن در دهه نود برقرار می کند. این فرضیه را مطرح می نماید که با وجود رضایتمندی نسبی در طول دهه نود، در اواخر دهه نود با کاهش میزان کارآمدی نظام، بخصوص در عرصه اقتصادی رضایت مندی عمومی از عملکرد دولت کاهش یافته و به بروز بی ثباتی های مقطعی در اواخر دهه نود منجر شده است.

پژوهش حاضر با پیوند میان مفاهیم کارآمدی، رضایت مندی و ثبات سیاسی، در ابتدا با بررسی شاخص های مشارکت سیاسی و اقتصادی میزان رضایت مندی مردم را به عنوان معیار کارآمدی در دهه نود بررسی کرده و در ادامه با برقراری رابطه میان کارآمدی، رضایت مندی و مقبولیت مردمی مبتنی بر چارچوب نظری حاکم بر پژوهش به ارزیابی ثبات سیاسی در دهه نود پرداخته است. البته باید توجه داشت که پدیده های اجتماعی چندوجهی هستند و در این پژوهش تنها به برخی از آنها، به ویژه در حوزه اقتصاد پرداخته شده است.

۱. پیشینه تحقیق

در سال های اخیر کتاب ها و مقالات متنوعی در مورد کارآمدی و ثبات سیاسی نوشته شده است. از جمله کتاب هایی که می توان به آن اشاره کرد کتاب رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران نویسنده غلامرضا خواجه سروی (۱۳۸۲) است. در این کتاب نویسنده دو مولفه رقابت سیاسی و ثبات سیاسی را مورد بررسی قرار می دهد تا تاثیر ثبات سیاسی را بر رقابت سیاسی در جمهوری اسلامی بسنجد، این در حالی است که مقاله حاضر دو مولفه کارآمدی و ثبات سیاسی را مورد بررسی قرار می دهد. کتاب ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران نویسنده میرقاسم بنی هاشمی (۱۳۹۵) در این کتاب نویسنده به ارزیابی تاثیر مولفه های انتخاباتی بر شاخص های ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران می پردازد، اما در این پژوهش به کارآمدی نظام سیاسی جمهوری اسلامی در تحقق ثبات سیاسی ارزیابی می شود. همچنین مقالاتی چون "مشروعیت، ثبات سیاسی و امنیت در ایران: بازه زمانی ۶۸-۹۲" نوشته محمد تقی پوریان و مجتبی درفشان، "درآمدی انتقادی بر مفهوم و شاخص های بی ثباتی سیاسی" نوشته ابوالفضل دلاوری، "کارآمدی در نظام جمهوری اسلامی ایران" نوشته بهرام اخوان کاظمی، "کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران، شاخصه ها و مکانیسم ها از منظر امام خمینی" نوشته فرج الله قاسمی، "ثبات و تعادل در جمهوری اسلامی ایران" نوشته محمد شفیعی فر نیز پیرامون موضوع مورد پژوهش وجود دارد که در مجموع هریک از این مقالات به طور جداگانه به بررسی دو موضوع کارآمدی و ثبات سیاسی در ایران پرداخته اند. این در حالی است که پژوهش حاضر موضوع کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران را در رابطه با ثبات سیاسی در دهه نود، مورد ارزیابی قرار داده است.

۲. بررسی مفاهیم و چارچوب نظری

۲-۱. مفهوم کارآمدی

در فرهنگ علوم سیاسی کارآمدی^۳ در لغت به "اثر بخشی، نفوذ، کفایت، مقبولیت، رضایت" معنا می شود و در اصطلاح به معنای "قابلیت و توانایی رسیدن به هدف های تعیین شده و مشخص" است. (آقابخشی، ۱۳۷۹، ص. ۴۴۶) کارآمدی از نظر سیمور لیپست زمانی رخ می دهد که سیستم در تحقق عینی کارکردهای خود موفق باشد. به وجهی که اکثریت گروه های قدرتمند درون نظام و مردم آن را درک و بیان کنند (لیپست، ۱۳۷۴، ص. ۲۲۶) عبدالحمید ابوالحمد معتقد است نظام سیاسی زمانی کارایی دارد که توانایی لازم برای انجام کارویژه ها و وظایفی که اکثریت مردم توقع دارند را داشته باشد. (ابوالحمد، ۱۳۶۸، ص. ۲۴۷). در نهایت کارآمدی دولت به معنای آن است که کارکردها و خدمات دولت معطوف به تحقق خواسته های شهروندان در حوزه های مختلف بوده و قادر به پاسخگویی به آنها باشند (Sánchez, Cuadrado-Ballesteros, & Frias-Aceituno, 2013). بانک جهانی در برآورد کارآمدی دولتها از شاخصهایی استفاده می کند که به افزایش توانمندی دولت در خدمات رفاهی، بهداشت، زیرساختها، آموزش و حمل و نقل و توانمندی نظام اداری و شفافیت و سلامت اشاره دارند ("Government effectiveness by country, around the world," n.d.).

در مبحث کارآمدی سه نکته حائز اهمیت است، اول اینکه کارآمدی یا کارآمدی ضعیف، بخشی از نظام مورد بررسی به معنای کارآمدی یا کارآمدی ضعیف همه آن نظام نیست. دوم اینکه کارآمدی نسبی است بدین معنا که هر پدیده ای امکانات، اهداف و موانع خاص خود را دارد. سوم اینکه اهداف، امکانات و موانع پیش روی یک نظام در مراحل مختلف جایگزینی، استقرار و تثبیت نظام متفاوت است و کارآمدی در هر مرحله باید به صورت مجزا بررسی شود. (فتحعلی، ۱۳۸۳، ص. ۱۰۳)

تعریف مختار نگارنده در این پژوهش از کارآمدی عبارت است از: افزایش توانمندی های نظام سیاسی در حوزه های مختلف از جمله رشد اقتصادی، رفاه بخشی، زیرساختها، شفافیت و سلامت، آموزش و بهداشت به نحوی که به رضایتمندی عمومی جامعه به عنوان عنصر اصلی حیات و بقای نظام سیاسی منجر شود. براساس این معیار از کارآمدی هرچقدر نظام جمهوری اسلامی بتواند بیشتر رضایت مردم و شهروندان خود را کسب کند، کارآمدتر است. در این مقاله با توجه به برجسته بودن مشکلات اقتصادی در ایران شاخصهای کارآمدی اغلب در این حوزه مد نظر قرار گرفته اند و از پرداختن به شاخصهای دیگر خودداری شده است.

۲-۲. ثبات سیاسی

در فرهنگ علوم سیاسی ثبات سیاسی^۴ به معنای محفوظ بودن یک نظام از تهدید براندازی داخلی از طریق شورش یا انقلاب است. (آقابخشی، پیشین، ص. ۴۲۵)

از نظر ساندرز ثبات به معنی عدم وقوع حوادث یا اقدامات بی ثبات کننده چون شورش، تظاهرات، کودتا، مرگ در اثر خشونت داخلی و غیره است و بی ثباتی یعنی عدم تداوم نظام و تکرار حوادث بی ثبات کننده. او در تعریف بی ثباتی معتقد است معیاری که بتوان به وسیله آن یک نظام سیاسی را در هر مقطع از زمان بی ثبات خواند، معیاری است که با وقوع یا عدم وقوع تغییرها و چالشها در هر حکومتی، رژیم یا جامعه ای نسبت مستقیم دارد. یعنی آن که تا چه حد این تغییرها و چالشها، الگوی معمولی یک سیستم خاص حکومتی، رژیم یا جامعه ای را تغییر داده اند و تا چه میزان باعث ایجاد چالش در آنها شده اند. مسلم است که این الگو، خود با

^۳ effectiveness

^۴ Political stability

گذشت زمان دستخوش تغییر می‌شود. (ساندرز، ۱۳۸۰، ص. ۷۴) در فرهنگ علوم سیاسی ثبات سیاسی همیشه چیز خوبی نیست. مثلاً کشوری ممکن است در بی‌نظمی، تبلی، ظلم، بیرحمی و فساد با ثبات باشد. از این جنبه، با ثبات‌ترین رژیم‌ها را دولت‌های مرده و بی‌سر و صدای اقتدارطلب تشکیل می‌دهند. درحالی‌که در کشورهای دموکراتیک همواره تغییر وجود دارد. (آقابخشی، ۱۳۷۹، ص. ۴۵۲)

دانیل لرنر در تعریف ثبات سیاسی بر توسعه سیاسی و به طور کلی بر نقش ارتباطات و به دنبال آن انقلاب ارتباطات در نوسازی در کشورهای جهان سوم به ویژه کشورهای خاورمیانه تاکید داشته است. لرنر ثبات سیاسی را وضعیتی می‌داند که تعادل نسبی بین سه طیف نخبگان فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در زمینه‌های مختلف برقرار باشد. از دیدگاه او هرگاه این تعادل به هم بخورد بی‌ثباتی سیاسی در جامعه ایجاد می‌شود. (Lerner, 1964, p.46)

با در نظر گرفتن تعاریف مختلف از ثبات سیاسی در یک جمع بندی کلی می‌توان ثبات سیاسی را شرایطی دانست که تعادل در یک نظام سیاسی با تناسب بین نیازها و امکانات شکل گرفته باشد و نظام یا اقدامات بی‌ثبات کننده چون شورش، تظاهرات، کودتا در فواصل زمانی کوتاه مواجه نشود.

۳. چارچوب نظری

از آنجا که موضوع محوری در پژوهش حاضر ارزیابی ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی است، بی‌تردید برای انجام یک ارزیابی صحیح از این موضوع داشتن یک رویکرد معیار از ثبات سیاسی امری ضروری به نظر می‌آید. به همین منظور در گام نخست آشنایی با رویکردهای موجود در عرصه ثبات سیاسی و در گام بعد انتخاب رویکرد معیار ضروری است. در میان رویکردهای موجود در عرصه ثبات سیاسی، ساندرز در تبیین آن به چهار رویکرد در این باره اشاره کرده که عبارتند از:

الف) رویکرد پایایی و عدم پایایی: مهمترین نظریه پرداز این رویکرد لیپست است از نظر او نظام سیاسی که استمرار داشته باشد باثبات تلقی می‌شود. معیار در این رویکرد، تداوم و پایایی نظام سیاسی است بر این مبنا نظام‌های سیاسی یا دموکراتیک باثبات و بی‌ثبات هستند و یا غیر دموکراتیک باثبات و بی‌ثبات. فیلدو کاستلز هم مانند لیپست معتقد است نظام سیاسی که بتواند ساختار نهادی خود را در طول زمان حفظ کند نظامی پایدار است. در این رویکرد اصل تداوم است چه حکومت دموکراتیک باشد و چه غیر دموکراتیک. به نظر ساندرز این تعریف از شناسایی بی‌ثباتی‌های کوتاه مدت در برابر نظام ناتوان است. (ساندرز، پیشین، ص. ۱۰۵)

ب) رویکرد تجربی یا فراوانی: از نظر تجربه‌گراها، میزان بی‌ثباتی با میزان تکرار حوادث بی‌ثبات کننده سنجیده می‌شود. هرچه قدر حوادث بی‌ثبات کننده مثل شورش‌ها، کودتاها، جنگ‌های چریکی، تغییر حکومت‌ها و غیره بیشتر رخ دهد، یعنی آن حکومت بی‌ثبات تر است. در علوم سیاسی ثبات یعنی تداوم نظام و عدم تکرار حوادث بی‌ثبات کننده. (همان، ص. ۱۰۷) در رویکرد فراوانی بر تداوم نظام کمتر تاکید شده است و ثبات را عدم وقوع حوادث بی‌ثبات کننده می‌داند. از نظر ساندرز در این رویکرد رفتارها و حوادث بی‌ثبات کننده به مدلی نامنظم دسته‌بندی می‌شوند.

ج) رویکرد ژورنالیستی یا روزنامه‌نگارانه: این رویکرد دو مزیت دارد اول آنکه کوتاه مدت چند هفته‌ای، چند ماهه و براساس شواهد ضعیف‌تری به بی‌ثباتی اشاره می‌کند و دوم عدم اطمینان در جریانات سیاسی و انتظار تحول آینده است. (همان، ص. ۱۰۸) به عبارت دیگر از نظر ساندرز به دلیل دو مزیتی که این رویکرد نسبت به دو رویکرد قبلی دارد یعنی برعکس دو رویکرد قبل که بر دوره‌های زمانی طولانی مدت تاکید داشتند، بر وضعیت‌های کوتاه مدت تاکید دارد و همچنین اینکه رویکرد روزنامه‌نگارانه عدم قطعیت را هم

در بی‌ثباتی در نظر می‌گیرد؛ به گونه‌ای انتظار تحول و تغییر در آینده نزدیک و مطمئن نبودن در جریان وقایع سیاسی را نوعی بی‌ثباتی محسوب می‌کند.

د) رویکرد عملیاتی: از نظر ساندرز بی‌ثباتی یک پدیده مستمر و نسبی است که باید به چند ویژگی توجه داشت؛ اول اینکه ثبات یا بی‌ثباتی وضعیتی نسبی است، دوم اینکه در بررسی آن باید واحدهای زمانی کوتاه مدت مثلاً دو یا سه ماه را در نظر گرفت یعنی اینکه زمانی می‌توان گفت در یک کشور بی‌ثباتی رخ داده است که در مقاطع زمانی مختلف بی‌ثباتی‌های مختلف روی داده باشد و نکته سوم، پذیرش عدم قطعیت و پیش‌بینی ناپذیری در این مساله است. می‌توان گفت مهمترین ویژگی بی‌ثباتی از نظر ساندرز توجه او به شکل‌های مختلف بی‌ثباتی با توجه به ماهیت آنان است که موجب تغییر هنجارهای حاکم بر نظام سیاسی شده است. (همان، ص. ۱۱۰)

در میان چهار رویکرد مطرح شده آنچه که در راستای تعریف منتخب ما از ثبات سیاسی از یک سو و از سوی دیگر در ارتباط با مفهوم کارآمدی نظام سیاسی به عنوان جلب رضایت عمومی مردم است، رویکرد تجربی و فراوانی می‌باشد. این درحالی است که ارزیابی تحولات رخ داده در جمهوری اسلامی در دهه نود به جهت فراوانی با این رویکرد قابل تطبیق بوده و به ارزیابی ثبات سیاسی کمک شایانی می‌کند. از سویی رویکردهای دیگر هم چون پایایی به دلیل مصداق نداشتن در نظام سیاسی ایران و رویکرد روزنامه نگارانه به دلیل در نظر گرفتن فاصله‌های کوتاه زمانی و همچنین رویکرد عملیاتی به دلیل تلقی از بی‌ثباتی سیاسی به عنوان تغییردهنده هنجارهای حاکم بر نظام سیاسی، معیار مناسبی برای سنجش بی‌ثباتی سیاسی در ایران دهه نود نمی‌باشد.

یکی دیگر از معیارهای مهم در عرصه ثبات سیاسی، شناخت چالش‌های بی‌ثبات کننده نظام سیاسی است. از این رو دیوید ساندرز چالش‌های بی‌ثباتی سیاسی را به چهار دسته چالش‌های مسالمت آمیز، خشونت آمیز، تغییر حکومت (مسئولان اجرایی) و تغییر رژیم (ساختار قدرت) تقسیم می‌کند. (همان، ص. ۱۲۶) با این توضیح پیرامون شاخص‌های بی‌ثباتی سیاسی در یک جمع‌بندی کلی می‌توان هرگونه اعتراض از سوی شهروندان یک نظام سیاسی چه به شکل مسالمت آمیز و چه خشونت آمیز اعم از اهداف اصلاحی و تغییر رژیم را مصادیقی از بی‌ثباتی سیاسی قلمداد کرد. معیاری که در پژوهش حاضر در ارزیابی تحولات دهه نود مورد توجه قرار گرفته است.

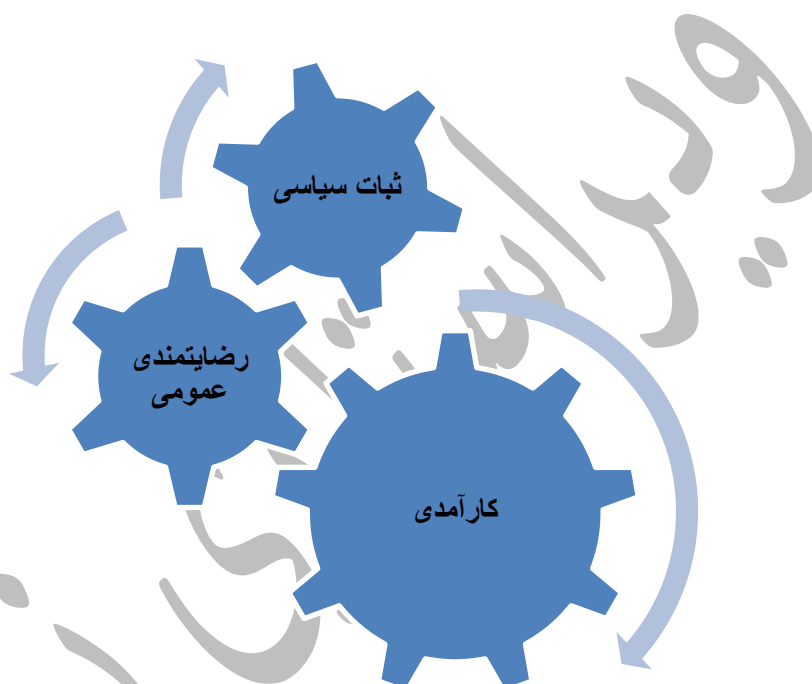
۱-۳. رابطه کارآمدی و ثبات سیاسی

ثبات سیاسی یکی از مهمترین اهداف و کارویژه‌های هر نظام سیاسی است از نظر تد رابرت گر اقدامات خشونت‌آمیز برای سرنگونی حکومت‌ها در سطح جهان، پس از جنگ جهانی دوم تاکنون خیلی شایع‌تر از انتخابات سراسری بوده است. (گر، ۱۳۷۷، ص. ۲۴) از نظر او هرچه سرخوردگی و محرومیت در جامعه بیشتر باشد خشونت سیاسی نیز بیشتر خواهد بود و هرچه خشونت سیاسی در کشوری بیشتر باشد نشان‌دهنده این است که نظام سیاسی در انجام کارویژه‌های خود از کارآیی کمتری برخوردار است. (همان، ص. ۲۹)

نظام‌های سیاسی برای کسب مشروعیت و رضایتمندی عمومی از شیوه‌های مختلفی استفاده می‌کنند. به طور معمول ایدئولوژی و تکیه بر اسطوره‌ها، شعارها و تهییج احساسات و عواطف مردم و قدرت رسانه‌های دولتی می‌تواند حمایت و رضایت مردم را برانگیزد. اما تجربه نشان داده است که در درازمدت تکیه بر ایدئولوژی و رسانه نمی‌تواند بدون افزایش کارآمدی و توانمندی دولت و تحقق خواسته‌های عمومی دوام مشروعیت را تضمین کند. در واقع ایدئولوژی و رسانه در کوتاه مدت تاثیرگذارند اما در درازمدت خواسته‌های عینی و رفاهی خودنمایی کرده و مشروعیت را به چالش می‌کشند. بنابراین مشروعیت اولیه و حقانیت حکومت، لزوماً موجب تداوم و ثبات نظام سیاسی نمی‌شود. حکومت باید با عملکرد خود و تحقق خواسته‌های عمومی رضایت‌مندی عمومی را به دست آورده و از این

طریق با اجرای کارویژه های خود، مشروعیت خود را در میان مردم گسترش و تعمیق داده و ثبات سیاسی را تضمین کند. در مقابل نظام سیاسی چنانچه با ناکارآمدی به نارضایتی عمومی دامن بزند، رفتارهای اعتراضی را به همراه داشته که این موجب شکل گیری بی ثباتی سیاسی در جامعه خواهد شد و این چرخه کارآمدی، رضایت مندی عمومی، حفظ وضع موجود، ثبات سیاسی و بلعکس همواره وجود داشته است.

مدل مفهومی رابطه میان کارآمدی و ثبات سیاسی (از سوی نویسندگان مقاله)



۴. ارزیابی وضعیت کارآمدی ایران دهه نود

دولت ایران در طول بیش از چهار دهه از عمر آن با مسائل مختلفی در سیاست داخلی خود مواجه بوده است. از مشکلات زیست بومی، اقلیت ها و قومیت ها، مسکن، اشتغال، تورم و غیره و در عرصه خارجی جنگ تحمیلی، تحریم ها و غیره که همه چالش های زیادی را برای نظام ایجاد کرده است. این در حالی است که در دهه نود این چالش ها در عرصه اقتصادی نمود آشکارتری به خود گرفت و با تشدید تحریم ها و وارد شدن فشارهای اقتصادی به مردم شکل جدیدی پیدا کرد و در نهایت در سال های پایانی این دهه منجر به شکل گیری تجمعات و اعتراضات مردمی شد. این اعتراضات بر خلاف تجمعات اعتراضی اواخر دهه هشتاد با مطالبات اقتصادی و حضور اقشار ضعیف جامعه و با خشونت های بیشتر همراه بود که حکایت از عدم رضایت مندی مردم از شرایط موجود در اواخر دهه داشت.

با توجه به اینکه معیار در کارآمدی جلب رضایت عموم مردم است آشنایی با شاخص‌هایی که معیار مناسبی برای بازتاب میزان این رضایت‌مندی است به ارزیابی کارآمدی دولت در تحقق آن کمک شایانی کرده و در مرحله بعد تطبیق میزان این رضایت‌مندی با تحولات بی‌ثبات‌کننده در عرصه سیاسی و در نهایت توفیق نظام در تحقق ثبات سیاسی براساس نظریه ساندروز آشکار خواهد شد.

۴-۱. ارزیابی مشارکت سیاسی در ایران دهه نود

مشورت، تبادل نظر و مشارکت دادن مردم در امور حکومتی یک شیوه عقلایی است و حاکم اسلامی از استبداد رأی در امان میماند. اداره امور جامعه متعلق به خود جامعه است و مشورت و نظرخواهی از مردم یک اصل مهم حکومتداری محسوب می‌شود (ارسطو و شیخ الملوک، ۱۳۹۵، ص ۱۲)

مشارکت سیاسی نشان‌دهنده پشتیبانی مردم از نظام است و شاخصی برای ارزیابی میزان رضایت‌مندی مردم از نظام سیاسی تلقی می‌شود. فرهنگ سیاسی مردم نشان داده که حضور در انتخابات را به عنوان یک عرصه برای ابراز رضایت و امید به تغییر شرایط تلقی کرده و در مقابل عدم حضور در انتخابات را به عنوان اقدامی در جهت اعلام عدم رضایتمندی و ناامیدی از تغییر شرایط می‌دانند. از سویی سخنان مقام معظم رهبری در ادوار مختلف برگزاری انتخابات نیز گواه روشنی بر این مدعاست.

برهمن اساس در ارزیابی میزان مشارکت مردم در انتخابات به عنوان شاخصی مهم در میزان این رضایت‌مندی، در ارزیابی مشارکت مردم در انتخابات انجام شده در دهه نود، در سال ۱۳۹۲ یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری میزان مشارکت ۷۲/۹۴ درصد بود. در سال ۱۳۹۶ دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ۷۳/۳۳ درصد مردم مشارکت داشتند. این در حالی بود که در آخرین انتخابات دهه نود یعنی انتخابات سیزدهمین دوره ریاست جمهوری ۴۸/۰۸ درصد مردم مشارکت داشتند که این آمار پایین مشارکت در تاریخ ادوار مختلف انتخابات ریاست جمهوری حاکی از شکل‌گیری نارضایتی مردم از وضعیت موجود کشور است. همچنین نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در ابتدای دهه نود با مشارکت ۶۳/۸۷ درصد مردم همراه بود و در سال ۱۳۹۴ دهمین دوره انتخابات مجلس ۶۱/۶۴ درصد مشارکت مردم به همراه داشت. ولی در سال ۱۳۹۸ یازدهمین دوره انتخابات مجلس تنها با ۴۲/۳۲ درصد مشارکت همراه بود که پایین‌ترین درصد مشارکت مردم در انتخابات مجلس در تاریخ جمهوری اسلامی را رقم زد. این مشارکت پایین مردم در انتخابات مجلس و تکرار آن در انتخابات دو سال بعد ریاست جمهوری، براساس نظریه ساندروز حاکی از نارضایتی مردم از شرایط موجود کشور و به نوعی اقدام اعتراضی مسالمت‌آمیز تلقی می‌شود که در اواخر دهه نود و با تشدید شرایط نامناسب اقتصادی همراه بود.

جدول شماره ۱: میزان مشارکت مردم در انتخابات (پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت کشور)

انتخابات ریاست جمهوری	درصد	انتخابات مجلس شورای اسلامی	درصد
یازدهمین دوره	۱۳۹۲/۰۳/۲۴	نهمین دوره	۷۲/۹۴
دوازدهمین دوره	۱۳۹۶/۰۲/۲۹	دهمین دوره	۶۳/۸۷
سیزدهمین دوره	۱۴۰۰/۰۳/۲۸	یازدهمین دوره	۴۲/۳۲

۴-۲. ارزیابی شاخص‌های اقتصادی ایران دهه نود

شاخص‌های اقتصادی هم‌چون نرخ تورم، نرخ بیکاری، رشد اقتصادی، تولید ناخالص ملی و شکاف طبقاتی به دلیل رابطه مستقیم با میزان رضایت عمومی مردم، معیار خوبی برای ارزیابی کارآمدی نظام سیاسی تلقی می‌شود، به این بیان که هرچه شاخص‌های اقتصادی از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار باشند، این موضوع رضایت بیشتر شهروندان را به همراه خواهد داشت. از سویی با توجه به پررنگ شدن موضوع اقتصاد در کشور به خصوص در دهه نود و توجه دشمنان انقلاب به این موضوع و بهره‌گیری از ابزار تحریم برای اعمال فشار به کشور و همچنین مشاهده رابطه معنا دار میان تشدید شرایط نامساعد اقتصادی به خصوص در اواخر دهه نود هستیم؛ و بر اساس نظریه ساندرز شکل‌گیری تجمعات، اعتراضات و اعتصابات به عنوان کنش‌های جمعی اعتراضی مسالمت آمیز اهمیت بررسی شاخص‌های اقتصادی در این دهه و کشف ارتباط منطقی میان آنها و مصادیق بی‌ثباتی سیاسی را دو چندان کرده است.

۱-۲-۴. نرخ تورم

براساس اعلام مرکز آمار ایران سال ۱۳۹۰ نرخ تورم ۲۱/۵ درصد بود. سال ۱۳۹۱ به ۲۹/۵ درصد رسید و در آخرین سال ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد نرخ تورم به ۳۲/۸ درصد افزایش یافت. با روی کار آمدن دولت حسن روحانی نرخ تورم رو به رشد متوقف شد و اجرای هم‌زمان مدیریت نقدینگی و تقویت انضباط پولی، ثبات در بازار ارز و غیره موجب شد نرخ تورم در خرداد ماه ۱۳۹۵ به ۹/۷ درصد برسد. (پایگاه اطلاع رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران)

جدول شماره ۲: شاخص‌های کلان اقتصادی دهه نود (پایگاه اطلاع رسانی مرکز آمار ایران)

شاخص فلاکت	نرخ تورم	سال
۳۵/۳	۲۴/۵	۱۳۹۰
۴۱/۶	۲۹/۵	۱۳۹۱
۴۳/۲	۳۲/۸	۱۳۹۲
۲۵/۲	۱۴/۶	۱۳۹۳
۲۲/۱	۱۱/۱	۱۳۹۴
۱۹/۳	۶/۹	۱۳۹۵
۲۰/۳	۸/۲	۱۳۹۶
۳۸/۹	۲۶/۹	۱۳۹۷
۴۵/۴	۳۴/۸	۱۳۹۸
۴۶	۳۶/۴	۱۳۹۹

همان‌طور که در جدول شماره ۲ مشخص است در سال ۹۳ نرخ تورم به ۱۴/۶ درصد رسید و در سال ۹۴ به ۱۱/۱ درصد و در سال ۹۵ با تک‌رقمی شدن نرخ تورم به ۶/۹ درصد و در سال ۹۶ هم به ۸/۲ درصد رسید. اما از سال ۹۷ با به قدرت رسیدن جمهوری خواهان در امریکا و خروج امریکا از برجام و تشدید تحریم‌ها، نرخ تورم دوباره دو رقمی شد و به ۲۶/۹ درصد رسید و در سال ۹۸ به ۳۴/۸ درصد رسید. در سال ۹۹ بانک مرکزی نرخ تورم را ۴۷/۱ درصد اعلام کرد و مرکز آمار ایران ۳۶/۴ درصد اعلام نمود. تشدید تحریم‌ها موجب کاهش درآمدهای نفتی دولت و کسری بودجه شد. بانک مرکزی برای تامین کسری بودجه و درآمدهای خود اقدام به عرضه

پول و افزایش پایه پولی نمود و این کار موجب افزایش نقدینگی و به طبع افزایش تورم شد. این روند افزایش تورم شدید در اواخر دهه نود موجب شکل گیری فشار اقتصادی و نارضایتی مردم به ویژه در قشرهای آسیب پذیر جامعه شد.

۴-۲-۲. نرخ بیکاری

مساله بیکاری و اشتغال یکی از شاخص های اصلی توسعه اقتصادی در هر کشوری محسوب می شود. در دهه نود با اضافه شدن متقاضیان نیروی کار جدید متولدین دهه هفتاد در کنار نیروهای متقاضی متولدین دهه شصت ما با حجم بالایی از نیروی کار جوان در کشور مواجه شدیم. از این رو برای کاهش نرخ بیکاری اقداماتی چون حمایت از توسعه کسب و کار، کمک به تکمیل طرح های نیمه تمام، ارتقاء آموزش های کارآفرینی و مهارت های کسب و کار، ممنوعیت به کارگیری نیروهای بازنشسته صورت پذیرفت. این در حالی بود که این اقدامات چندان نتوانست به بهبود نرخ بیکاری کمک کند و در طول دهه نود ما شاهد نرخ بالای بیکاری در کشور بودیم.

جدول شماره ۳: نرخ بیکاری (پایگاه اطلاع رسانی مرکز آمار ایران)

سال	نرخ بیکاری
۱۳۹۰	۱۲/۳
۱۳۹۱	۱۲/۲
۱۳۹۲	۱۰/۴
۱۳۹۳	۱۰/۶
۱۳۹۴	۱۱
۱۳۹۵	۱۲/۴
۱۳۹۶	۱۲/۱
۱۳۹۷	۱۲
۱۳۹۸	۱۰/۷
۱۳۹۹	۹/۶

براساس گزارش مرکز آمار ایران نرخ بیکاری در سال ۹۰-۹۱-۹۲ به ترتیب ۱۲/۳-۱۲/۲-۱۰/۴ درصد بود. با روی کار آمدن دولت روحانی، نرخ بیکاری به ۱۰/۶ درصد و در سال ۹۴ به ۱۱ درصد رسید و تا سال ۹۵ در یک روند صعودی به ۱۲/۴ درصد رسید. در سال های بعد این روند صعودی با کاهش اندکی مواجه شد و در سال ۹۶ نرخ بیکاری به ۱۲/۱ درصد و در سال ۹۷ به ۱۲ درصد رسید. در سال ۹۸ کمی کمتر شد و به ۱۰/۷ درصد و در سال ۹۹ به ۹/۶ درصد رسید. بالا بودن نرخ بیکاری در دهه نود یکی از عوامل مهم در شکل گیری نارضایتی عمومی در میان مردم به ویژه نسل جوان بود، که می توان آثار آن را در اعتراضات سال های ۹۶ و ۹۸ و حضور گسترده جوانان در این اعتراضات کاملا مشاهده کرد.

۴-۲-۳. نرخ رشد اقتصادی

نرخ رشد اقتصادی، متغیر مهمی برای ارزیابی عملکرد دولت ها قلمداد می شود. رشد اقتصادی در هر کشور نشان دهنده تعاملات دولت با ملت، بازار، سایر قوا و سایر کشورها می باشد. با شروع دوره ریاست جمهوری آقای روحانی سراسیمه نرخ رشد اقتصادی متوقف شد و با امضای برجام در سال ۱۳۹۵ برای اولین بار بعد از بیست و پنج سال این نرخ دو رقمی شد. در سال ۹۶ این روند با سرعت کمتری

ادامه یافت ولی با به قدرت رسیدن جمهوری خواهان در انتخابات آمریکا و ریاست جمهوری دونالد ترامپ در سال ۹۷ و خروج آمریکا از برجام و از سویی تشدید تحریم‌ها رشد اقتصادی منفی شد. در شرایط تشدید تحریم افزایش هزینه تولید و کاهش قدرت خرید مردم، افزایش نرخ ارز، دشواری ورود مواد اولیه و موانعی از این قبیل موجب تعطیلی یا نیمه تعطیلی و تعدیل نیروی کار کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، بنگاه‌ها و شرکت‌های اقتصادی شد و افزایش بیکاری را به دنبال داشت. البته در دهه‌های گذشته نیز کشور دچار مشکلات این چینی بود و با پول نفت و حمایت‌های نفتی همواره بر مشکلات بخش‌های مختلف به ویژه بخش تولید، پوشش داده می‌شد؛ ولی با افزایش تحریم‌ها در سال‌های پایانی دهه نود در بخش‌های حیاتی یعنی سیستم بانکی، نفتی و بیمه‌ای عملاً کشور با مشکلات عدیده‌ای مواجه شد و در نهایت نارضایتی عمومی را به همراه آورد.

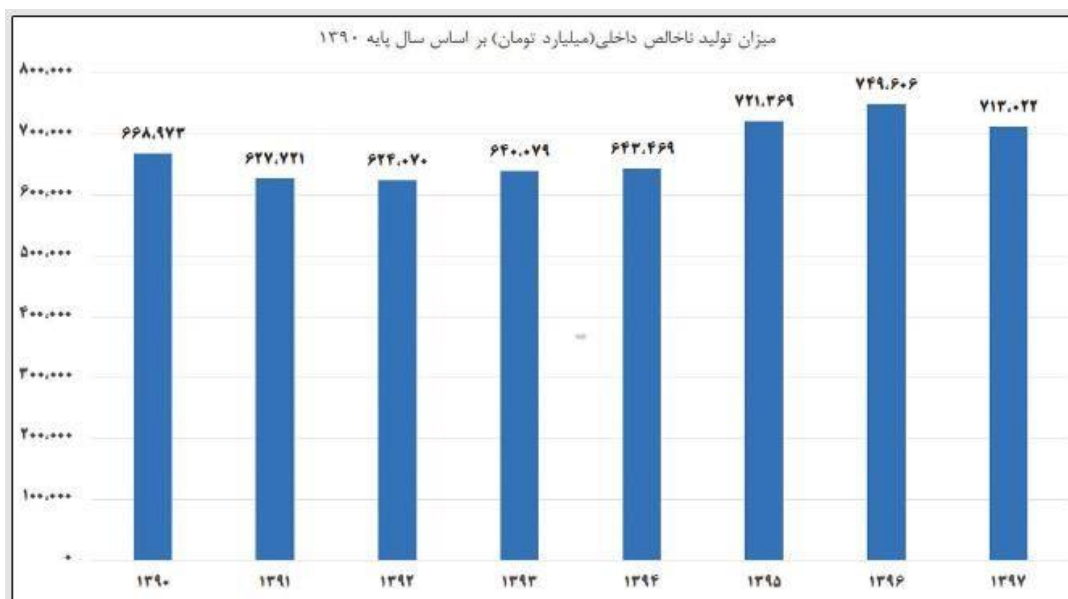
جدول شماره ۴: نرخ رشد اقتصادی (پایگاه اطلاع رسانی مرکز آمار ایران)

سال	رشد اقتصادی
۱۳۹۰	۳/۲
۱۳۹۱	منفی ۸/۶
۱۳۹۲	۲/۵
۱۳۹۳	۲/۳
۱۳۹۴	منفی ۰/۱
۱۳۹۵	۱۴/۲
۱۳۹۶	۴/۸
۱۳۹۷	منفی ۴/۹
۱۳۹۸	منفی ۶/۳
۱۳۹۹	۱/۰

۴-۲-۴. نرخ تولید ناخالص داخلی

منظور از تولید ناخالص داخلی، کل ارزش ریالی محصولات نهایی تولید شده در دوره زمانی معین است و در برآورد تولید ناخالص داخلی ارزش محصول نهایی مورد استفاده قرار گیرد. (پایگاه اطلاع رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران) این در حالی است که تاثیر غیر قابل انکار تحریم‌ها بر اقتصاد ایران به ویژه دهه نود موجب کاهش تولید و صادرات نفت و به تبع آن کاهش میزان تولید ناخالص داخلی شده است. بعد از توافق برجام در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ تولید صعودی شد ولی در سال ۱۳۹۷ مجدد کشور با افت تولید مواجه شد. اما در بیان رابطه میان نرخ تولید ناخالص داخلی با رضایت‌مندی مردم باید گفت که افت نرخ تولید ناخالص داخلی نشان از افت رشد اقتصادی دارد و در مقابل رشد اقتصادی بالا و پایدار نشان از تولید بیشتر و به تبع رفاه اقتصادی بالاتر خواهد شد، که در نهایت رضایت‌مندی بیشتر شهروندان را به همراه خواهد داشت.

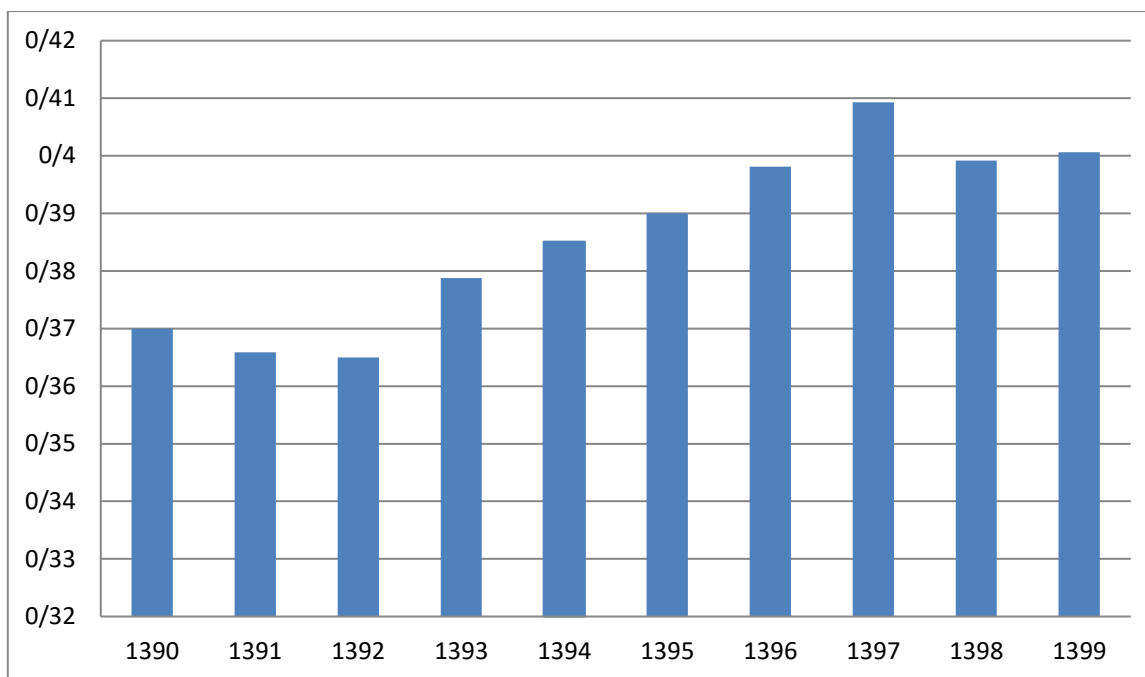
جدول شماره ۵: نرخ تولید ناخالص داخلی در دهه نود (پایگاه اطلاع رسانی مرکز آمار ایران)



۴-۲-۵. شکاف طبقاتی (ضریب جینی)

ضریب جینی واحد اندازه‌گیری پراکنندگی آماری است که برای سنجش میزان نابرابری در توزیع درآمد یا ثروت در جامعه استفاده می‌شود و ارقامی بین صفر و یکی را در بر می‌گیرد. هرچه رقم به عدد یک نزدیک تر باشد دلالت بر شکاف و نابرابر است و هرچه به عدد صفر نزدیک تر باشد نشان دهنده برابری در توزیع درآمد یا ثروت است. از وظایف دولت‌ها توزیع و تخصیص عادلانه درآمد است و در مقابل از علائم آسیب دیدن رفاه اجتماعی توزیع ناعادلانه درآمد و ثروت و شکل‌گیری شکاف طبقاتی است، واقعیتی که نارضایتی عمومی به ویژه طبقات پایین جامعه را شامل خواهد شد. بر اساس آمار و ارقام مرکز آمار ایران، ضریب جینی از سال ۹۲ تا ۹۷ روند صعودی داشته و شکاف طبقاتی افزایش یافته است. در سال ۹۲ به ۰/۳۶۵ و در سال ۹۷ به ۰/۴۰۹۳ رسید که بالاترین شکاف طبقاتی در دهه نود است.

جدول شماره ۶: نرخ ضریب جینی در دهه نود (پایگاه اطلاع رسانی مرکز آمار ایران)



ایران در دهه نود شاهد دو تجربه تحریمی و افزایش نرخ ارز و نرخ تورم بود. در تجربه تحریمی اوایل دهه نود که با پرداخت یارانه ها ضریب جینی کاهش یافت و افزایش هزینه ها برای مردم قابل تحمل شد؛ ولی در تجربه تحریمی دوم در سال ۹۷ با افزایش نرخ ارز و نرخ تورم و افزایش قیمت کالاها و خدمات، دیگر یارانه نقدی جوابگو نبود. یارانه نقدی ۴۵ هزار تومان معادل ۱۳۰ هزار تومان در سال ۹۷ بود. اگر در سال ۹۷ یارانه ۱۳۰ هزار تومان پرداخت می شد می توانست از فشار اقتصادی بر توده جامعه به ویژه قشر کم درآمد بکاهد ولی دولت با تزریق دلار ۴۲۰۰ تومان خواست تورم را کنترل کند درحالی که این سیاست نه تنها جواب نداد بلکه موجب افزایش رانت خواری، احتکار و تبعات دیگر شد.

بررسی شاخص های اقتصادی هم چون نرخ تورم، نرخ بیکاری، نرخ رشد اقتصادی و نرخ تولید ناخالص داخلی همه گویای این واقعیت هست که هرچه به اواخر دهه ۹۰ نزدیک شدیم وضعیت اقتصادی کشور رو به افول گذاشته و این شرایط نامناسب اقتصادی نارضایتی مردم را در اواخر این دهه و در نتیجه ناکارآمدی نظام سیاسی را به همراه آورده است.

۴-۳. ارزیابی وضعیت صدا و سیما و نقش رسانه

امروزه وسایل ارتباط جمعی به ویژه صدا و سیما به علت پیچیدگی های اجتماعی نقش مهمی در آگاهی بخشی شهروندان دارد. نحوه انعکاس اخبار و اطلاعات، نحوه متقاعد سازی و تاثیر گذاری بر احساسات و عواطف و در کل هدایت و جهت دهی به اخبار نقش مهمی در مدیریت وقایع و بحران های سیاسی، اجتماعی جامعه دارد.

وسایل ارتباط جمعی و رسانه های گروهی با اطلاع رسانی رویدادهای اجتماعی و انعکاس اخبار موجب ارتباط افقی بین مردم شده و آنان را نسبت به وضعیت یکدیگر آگاه می سازند. به طور کلی می توان گفت رسانه ها همچون تیغ دو لبه هم قادر به تثبیت و حفظ پیوستگی و هم قادر به ضربه زدن و عمیق کردن شکاف های اجتماعی هستند. انتقال سریع و صحیح اخبار وقایع و واقعیت های جامعه می تواند موجب اعتماد اجتماعی، اشتیاق و بالندگی در اعضای جامعه گردد و این از کارکردهای مثبت رسانه های جمعی است به ویژه اینکه این وسایل با هدف تاثیر گذاری بر روی جامعه ابداع شده اند. (رفیع پور، ۱۳۷۸، ص. ۵) البته رسانه کارکردهای منفی

چون پنهان کاری از طریق حذف، انگ زدن، کوچک شمردن محتوا، حمله و انهدام هدف، پخش برنامه هایی با ارزش اسمی، توازن نادرست، فرض و تصور پیش گیرانه، خودداری از پیگیری، نیز دارند. (اتوسن، ۱۳۸۳، ص. ۲۳)

جدول شماره ۷: ارزیابی صدا و سیما در پیمایش سال ۹۶ (دفتر طرح های ملی، ۱۳۹۶، ص ۷۰)

ردیف	موارد	بلی	خیر
۱	به اخبار صدا و سیما خیلی نمیتوان اعتماد کرد	۳۸/۶	۶۱/۴
۲	صدا و سیما حرف دل مردم را میزند	۴۱/۷	۵۸/۳
۳	برنامه های تلویزیون سطح آگاهی و شعور اجتماعی جامعه را بالا نمی برد	۴۳/۰	۵۷/۰

همانطور که در جدول مشخص است طبق نظرسنجی صورت گرفته، ۳۸/۶ درصد مردم معتقدند نمیتوان به اخبار صدا و سیما اعتماد کرد در حالی که ۶۱/۴ درصد معتقدند میتوان اعتماد کرد. ۴۱/۷ درصد مردم معتقدند که صدا و سیما حرف دل مردم را میزند ۵۸/۳ درصد مردم معتقدند صدا و سیما حرف دل مردم را نمیزند و از نظر ۴۳/۰ درصد مردم برنامه های تلویزیون سطح آگاهی و شعور اجتماعی جامعه را بالا میبرد و ۵۷/۰ درصد معتقدند که اینگونه نیست. آنچه مسلم است این است که رسانه تاثیر مهمی در مدیریت رویدادها و بحران های جامعه دارد و به هیچ وجه نمی توان نقش آن را نادیده گرفت اما یک نظام سیاسی اگر بتواند بدون کارآمدی و با ایجاد هژمونی رسانه ای و جعل بحران های سیاسی و نظایر آن حمایت مردم را در کوتاه مدت به دست آورد ولی در بلند مدت خواسته های عینی و رفاهی سربرآورده و خود را تحمیل خواهند کرد.

۴-۴. ارزیابی وضعیت رضایت مندی مردم در ایران دهه نود

میزان رضایت مندی مردم و شهروندان علاوه بر بیان کارآمدی نظام سیاسی در ارتباط مستقیم با ثبات سیاسی است. هر چه مردم رضایت بیشتری داشته باشند نشان دهنده کارآمدی و ثبات سیاسی نظام است. شهید مطهری در این راستا کسب رضایت عمومی و استیفای حقوق مردم را نشانه موفقیت حکومت می داند و معتقد است که یکی از چیزهایی که رضایت عمومی بدان بستگی دارد، این است که حکومت، به چه دیده ای به توده های مردم و به خودش می نگرد؟ اعتراف حکومت به حقوق واقعی مردم و احتراز از هر نوع عملی که مشعر بر نفی حق حاکمیت آنها باشد، از شرایط اولیه جلب رضا و اطمینان آنان است. (مطهری، ۱۳۷۶، ص. ۱۱۸) تلاش در جهت کسب رضایت مردم علاوه بر اهمیت سیاسی از منظر دینی هم قابل تامل است و مردم را به سمت همبستگی درونی (اعتقادی) و برونی (مادی) بیشتر با نظام سیاسی هدایت می نمایند. (عطایی و محمدی، ۱۳۹۷، ص. ۷۷) در ارزیابی میزان رضایت مندی مردم از حکومت در این مجال نگرش مردم در مورد اوضاع سیاسی و اقتصادی و میزان رضایت مردم از وضعیت سلامتی، وضعیت مسکن و وضعیت مالی، بر اساس پیمایش های صورت گرفته در سال های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۶ مورد بررسی قرار می گیرد. در این پیمایش ها که در ۲۸ استان کشور انجام شده است مردم در پاسخ به سوال "به طور کلی میزان رضایت شما از موارد زیر در زندگی تان چقدر است" نظر خود را این گونه بیان داشته اند:

جدول شماره ۸: میزان رضایت مردم در سال ۹۶ (دفتر طرح های ملی، ۱۳۹۵، ص ۲۷)

میزان رضایت مردم بر اساس پیمایش سال ۹۶				
۱	نگرش	وضعیت سلامتی	وضعیت مالی	وضعیت مسکن

۱۹/۶	۱۹/۲	۶/۶	کم	۲
۲۸/۱	۳۷/۴	۱۷/۴	تاحدودی	۳
۵۰/۶	۴۲/۲	۷۴/۴	زیاد	۴

جدول شماره ۹: میزان رضایت مردم در پیمایش سال ۹۶ (دفتر طرح های ملی، ۱۳۹۷: ص ۳۱)

میزان رضایت مردم در پیمایش سال ۹۶					
۱	نگرش	وضعیت سلامتی	وضعیت مالی	وضعیت مسکن	وضعیت شغلی
۲	کم	۷/۶	۲۵/۵	۱۷/۶	۳۴/۸
۳	تاحدودی	۲۱/۷	۴۱/۱	۳۹/۶	۳۳/۲
۴	زیاد	۷۰/۸	۳۳/۴	۴۲/۷	۳۲/۰

همان‌طور که در جدول مشخص است در سال ۹۴ و ۹۶ بیشترین میزان رضایت مربوط به وضع سلامتی است و این نشان می‌دهد که مردم از اقدامات دولت در زمینه بهداشت و درمان و اقدامات مربوط به آن رضایت بیشتری نسبت به سایر موارد داشته‌اند. ولی با وجود این در سال ۹۶ میزان رضایت از ۷۴/۴ درصد به ۷۰/۷ درصد کاهش یافته است. در سال ۹۴ کمترین میزان رضایت مربوط به وضع مالی با ۴۲/۲ درصد است که در سال ۹۶ به ۳۳/۴ درصد کاهش می‌یابد. در مورد وضع مسکن در سال ۹۴ میزان رضایت ۵۰/۶ درصد است و در سال ۹۶ به ۴۲/۷ درصد کاهش می‌یابد.

در پیمایش کشوری سال‌های ۹۴ و ۹۶ مردم در پاسخ به این‌گویه "به نظر شما حکومت در تحقق هر کدام از مواردی که نام می‌برم تا چه اندازه موفق بوده است؟" اینگونه پاسخ داده‌اند:

جدول شماره ۱۰: موفقیت حکومت (دفتر طرح های ملی، ۱۳۹۵-۱۳۹۷)

عناوین موارد	پیمایش سال ۹۴		پیمایش سال ۹۶		
	زیاد	کم	زیاد	کم	
۱	ایجاد امنیت در جامعه	۱۳/۰	۵۳/۶	۱۷/۳	۵۲/۹
۲	اجرای قانون	۲۶/۴	۲۸/۱	۳۹/۹	۲۹/۸
۳	حمایت از آزادی بیان	۳۴/۱	۲۲/۷	۴۱/۲	۲۲/۳

۱۵/۷	۵۷/۲	۱۵/۱	۴۷/۹	سلامت اقتصادی و اداری	۴
۱۳/۷	۶۴/۷	۱۲/۶	۵۶/۸	کاهش فقر و نابرابری	۵
۲۵/۱	۳۸/۵	۲۳/۴	۳۴/۹	حفاظت از محیط زیست	۶

همان طور که در جدول شماره ۹ مشخص است در سال ۹۴ از نظر مردم کمترین میزان موفقیت حکومت با ۱۲/۶ درصد مربوط به کاهش فقر و نابرابر است و بعد از آن به ترتیب، سلامت اقتصادی اداری، حمایت از آزادی بیان، حفاظت از محیط زیست و اجرای قانون رتبه های بعدی را در عملکرد ناموفق حکومت را دارا هستند. در مقابل در پیمایش سال ۹۶ وضعیت نارضایتی به نسبت سال ۹۴ افزایش پیدا کرده است. در این پیمایش هم کمترین میزان موفقیت مربوط به کاهش فقر و نابرابری است با ۱۳/۷ درصد و بعد به ترتیب سلامت اقتصادی و اداری، حمایت از آزادی بیان، حفاظت از محیط زیست، اجرای قانون و بیشترین میزان موفقیت در هر دو پیمایش به ایجاد امنیت است.

در ارزیابی کلی می توان چنین نتیجه گرفت که در این نظر سنجی مردم عملکرد دولت را در حل مساله فقر و کاهش نابرابری در پایین ترین میزان ارزیابی کرده و به طور کلی میزان رضایت مندی شان از عملکرد دولت در سال ۹۶ نسبت به سال ۹۴ کاهش پیدا کرده است، موضوعی که در ارزیابی شاخص های دیگر رضایت مندی با نزدیک شدن به سال های پایانی دهه نود کاملا قابل مشاهده است.

۵- ارزیابی ثبات سیاسی ایران دهه نود

همان طور که بیان شده با توجه به آمار و ارقام در کاهش کارآمدی حکومت به ویژه در عرصه اقتصادی در سال های پایانی دهه نود، با وجود رضایت نسبی در طول دهه، نارضایتی مردم از عملکرد دولت را به دنبال داشت و این نارضایتی ثبات سیاسی نظام را با چالش هایی مواجه ساخت. در ارزیابی ثبات سیاسی به دلیل اهمیت و دایره فراگیری آن می توان دو واقعه مهم این دهه یعنی اعتراضات دی ماه ۹۶ و اعتراضات آبان ماه ۹۸ را مورد توجه و بررسی قرار داد.

۵-۱. اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶

این اعتراضات از ۷ دی ماه ۱۳۹۶ با فراخوان عمومی، جهت شرکت در تظاهرات با عنوان نه به گرانی در مشهد و دیگر شهرهای استان خراسان شروع شد ولی با فراخوان های بیشتر، خواسته ها از اعتراض علیه دولت به نظام هم کشیده شد و به سرعت سایر استان ها و شهرها هم چون کرمانشاه، اصفهان، ساری، زاهدان، لرستان، قم، اهواز و غیره را فرا گرفت و در نهایت به شکل خشونت آمیزی درآمد. از ویژگی های مهم این اعتراضات نداشتن رهبر و نقش پر رنگ ائتلاف ضعیف جامعه در آن بود که توسط قشر متوسط جامعه از آن حمایت می شد. در پژوهش میدانی که در زمینه اعتراضات دی ماه ۹۶ صورت گرفته است بعد از مصاحبه با دستگیر شده ها، علت اصلی اعتراضات دی ماه ۹۶ نیازهای ذهنی عنوان شده که در راس این نیازها، مساله تبعیض و تحقیر ذکر شده است و در مرحله دوم نیازهای حیاتی و بعد نیاز به امید اجتماعی برای رسیدن به جامعه عادلانه عنوان شده است. (نوروزپور، ۱۳۹۸، ص. ۱۸۵) از ویژگی های دیگر اعتراضات دی ماه ۹۶ نسبت به اعتراضات گذشته، گستردگی و پراکندگی آن در شهرهای کوچک و بزرگ در سطح کشور بود. آنچه در دی ماه ۹۶ اتفاق افتاد از نظر حجم، گستردگی و جمعیت معترضان اقدامی گسترده بود. اعتراضی که ناامیدی و نگرانی از آینده و احساس نابرابری و بی عدالتی در عرصه های مختلف اجتماعی، اقتصادی زمینه ساز بروز و ظهور آن شد.

۵-۲. اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸

در پی تصمیم سران کشور مبنی بر افزایش قیمت بنزین و اجرایی شدن آن در ۲۴ آبان ۱۳۹۸، اعتراضات در شهرهای مشهد، تهران، اهواز، اصفهان، کرمانشاه، بندرماهشهر، بندرعباس، سنندج، خرمشهر، شیراز، ارومیه آغاز شد و به سرعت به شهرهای و استان‌های دیگر گسترش یافت. این اعتراضات که در ابتدا شکل مسالمت‌آمیز داشت، به تدریج شکل خشونت‌آمیز به خود گرفت. در جریان این اعتراضات خسارت زیادی به اموال عمومی و ساختمان‌های دولتی، بانک‌ها، خودروهای پلیس، حوزه‌های علمیه و دفاتر امامان جمعه وارد شد، مغازه‌های کسبه تخریب و با درگیری با نیروهای ضد شورش و امنیتی، ثبات سیاسی کشور دچار چالش گشت. از ویژگی‌های مهم این اعتراضات حضور عمدتاً قشر ضعیف و جوانان بیکار، ناامید و عصبانی بود که بدون سازماندهی خاص تنها توسط قشر متوسط جامعه حمایت می‌شدند. ضعف کارآمدی، تورم، رکود، عدم تامین مطالبات مردم و از سوی دیگر عدم برنامه ریزی، زمینه چینی و آماده سازی لازم برای افزایش قیمت بنزین که به تبع منجر به افزایش قیمت تمام کالاهای اساسی و فشار اقتصادی بر مردم می‌شد، موجب بروز این اعتراض و نارضایتی گشت.

ویژگی که اعتراضات آبان ۹۸ را از اعتراضات دی ماه ۹۶ متفاوت می‌کرد علاوه بر نگرانی نسبت به آینده و کاهش امید اجتماعی، با تشدید تحریم‌ها و افزایش تورم و رکود، هزینه‌های زندگی برای قشر ضعیف جامعه بیشتر و تحمل آن دشوارتر شده بود. در این میان نقش مردم حاشیه نشین، کارگران فصلی، رانندگان داخل و خارج شهری و کسانی که هیچ شغلی نداشته و چشم انداز مثبتی نسبت به آینده برای خود متصور نبودند در این اعتراضات پر رنگ شده بود به همین دلیل این اعتراضات با شدت و گسترش بیشتری انجام گرفت.

جمع بندی

این پژوهش با پیوند دو مفهوم کارآمدی و ثبات سیاسی براساس رویکرد جلب رضایت مندی مردم در عرصه کارآمدی نظام سیاسی به پیوند میان آن با موضوع ثبات سیاسی براساس نظریه دیوید ساندرز می‌پردازد. نتیجه ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که با وجود رضایت نسبی در طول دهه نود، در اواخر دهه نود به علت افزایش تحریم‌ها، افزایش نرخ تورم، نرخ رکود، نرخ بیکاری، شاخص فلاکت و کاهش نرخ تولید ناخالص داخلی مردم دچار مشکلات معیشتی شدند و این امر نارضایتی آنان از وضعیت موجود و عملکرد دولت را در پی داشت. این نارضایتی‌ها در دهه نود که از دوره دوم دولت محمود احمدی نژاد ایجاد شده و در سال‌های ۹۰-۹۱ افزایش یافته بود، با فروش نفت و پرداخت یارانه نقدی و وعده‌های امیدبخش دولت سپری شد.

در دوره اول ریاست جمهوری حسن روحانی با امضای برجام و برداشته شدن تحریم‌ها، شاخص‌های اقتصادی بهبود یافت و با کاهش نرخ تورم و رکود رضایت نسبی برقرار شد. این در حالی بود که با به قدرت رسیدن جمهوری خواهان در انتخابات آمریکا و خروج این کشور از برجام و تشدید تحریم‌ها، شاخص‌های اقتصادی روندی نزولی به خود گرفت و نارضایتی مردم را در پی داشت، به طوری که این نارضایتی به شکل مشارکت پایین در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری و همچنین برگزاری تجمعات اعتراضی در آبان ماه ۹۸ خود را نشان داد.

ما همچنین در راستای بی‌ثباتی‌های سیاسی در دهه نود شاهد تجمعات اعتراضی در دی ماه ۹۶ بودیم. زمانی که تبعات تحریم‌ها آشکار نشده بود و وضعیت اقتصادی به دشواری سال‌های قبل نبود ولی به تدریج نارضایتی‌ها رو به افزایش نهاد و به شکل برگزاری تجمعات اعتراضی خود را نشان داد و با گسترش به شهرهای مختلف کشور به کنش‌های خشونت‌آمیز منجر شد و براساس نظریه دیوید ساندرز و در راستای عدم رضایت مندی مردم به عنوان معیار کارآمدی، ثبات سیاسی کشور را در اواخر دهه به مخاطره انداخت. عواملی چون نهادمندی سیاسی، اعتماد سیاسی و توسعه اقتصادی موجب افزایش کارآمدی و ثبات سیاسی خواهد شد.

منابع:

- آقا بخشی، علی (۱۳۷۹)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: انتشارات چاپار.
- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۶۸)، مبانی علم سیاست، تهران: انتشارات توس.
- اطاعت، جواد (۱۳۷۸)، مجموعه مقالات پیرامون توسعه سیاسی، تهران: نشر سفیر.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱)، رسانه ها و ثبات سیاسی درمجموعه مقالات همایش رسانه و ثبات سیاسی اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ارسطا، محمدجواد و حسین شیخ الملوک. (۱۳۹۵)، ادله عقلایی لزوم مشورت درحکومت اسلامی با رویکردی بر سیره امام خمینی (ره)، تهران: پژوهشنامه متین، شماره ۷۳-۱-۱۴.
- اتوسن، (۱۳۸۳)، جنگ نرم ۲ (ویژه جنگ رسانه ای)، تهران: انتشارات بین المللی معاصر تهران.
- بشیریه، حسین (۱۳۶۸)، آموزش دانش سیاسی، تهران: نگاه معاصر، چاپ هشتم.
- پاتنام، روبرت (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت های مدنی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
- پایگاه اطلاع رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: <https://www.cbi.ir>
- پایگاه اطلاع رسانی وزارت کشور: <https://moi.ir>
- پایگاه اطلاع رسانی مرکز آمار ایران: <https://www.amar.org.ir>
- دفتر طرح های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد. (۱۳۹۵)، یافته های پیمایش ملی ارزش ها و نگرش های ایرانیان، تهران: پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.
- ----- (۱۳۹۷)، یافته های پیمایش ملی ارزش ها و نگرش های ایرانیان، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات.
- ساندرز، دیوید (۱۳۸۱)، الگوهای بی ثباتی سیاسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گر، رابرت تد (۱۳۷۷)، چرا انسان ها شورش میکنند، ترجمه علی مرشدی زاد، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- فتحعلی، محمود (۱۳۸۳)، کارآمدی نظام اسلامی، قم: مجله صبا، سال سوم، ۱۱ و ۱۲، ۶۹-۷۹.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸)، وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزش های اجتماعی، تهران: انتشارات کتاب فرا.
- حق جو، ناصر (۱۳۸۱)، رفاه اجتماعی (مروری بر کارکردهای برخی نهادهای حمایتی در ایران)، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوم. شماره شش.
- لیپست، سیمور (۱۳۷۴)، مشروعیت و کارآمدی، ترجمه رضا زبیب، تهران: مجله فرهنگ توسعه، شماره ۱۸-۱۰-۱۱.
- عطایی، عبدالله و سجاد علی محمدی (۱۳۹۷)، بررسی عوامل موثر در همگرایی مردم با نظام در اندیشه امام خمینی، تهران: پژوهشنامه متین، ۸۰-۶۹-۹۳.
- ساندرز، دیوید (۱۳۸۰)، الگوهای بی ثباتی سیاسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.

- مصطفوی، شهرزاد و نوید تکشی. (۱۳۸۷)، تبیین تاثیر مزیت مطلق و نسبی بر فرآیند صادرات، تهران: میثاق مدیران، ۳۲. ۶۶-۷۲.
- میرزا پور، مسعود (۱۳۹۹)، کاربرد سلسله مراتب نیازهای مازلو در بین کارکنان سازمانی، تهران: مطالعات کاربردی در علوم مدیریت و توسعه، سال پنجم، ۸، ۶۳-۷۰.
- نوروز پور، مرتضی (۱۳۹۸)، تحلیل اعتراض های سیاسی دی ماه ۱۳۹۶، تهران: پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهاردهم، ۴، ۱۸۵-۲۲۰.

-Daniel Lerner .(1964), The Passing of Traditional Society: Modernizing the Middle East, London: Free Press of Traditional Society.

<https://www.mcc.gov/who-we-select/indicator/government-effectiveness-indicator>

https://www.theglobaleconomy.com/rankings/wb_government_effectiveness/